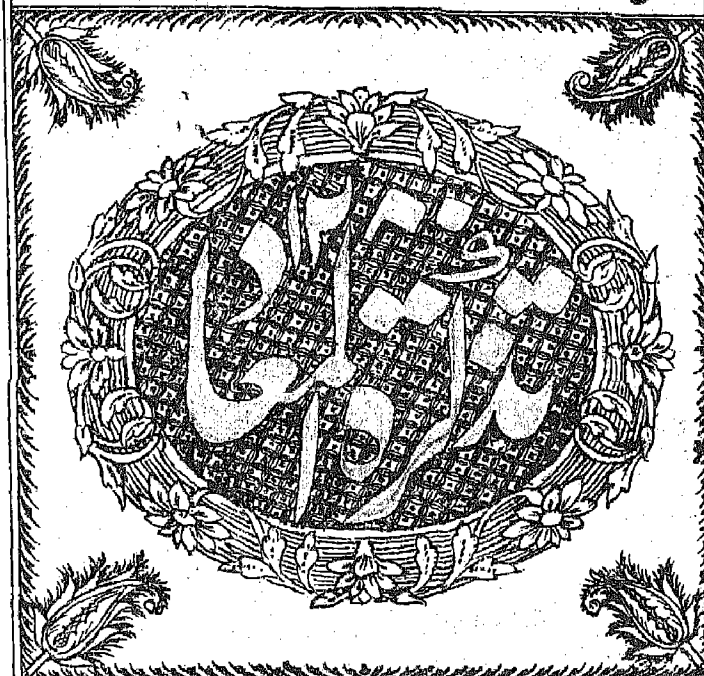




مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يُفْقِدُ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

بفضل برادران سوار و دانشمند و از تصنیف حضرت شیخ کاظم و استاد پیرانی بزرگوار و عظیم



بسم الله الرحمن الرحيم بحمد الله و نعمة من الله و برکت من الله و فی شهر رجب سنه ۱۲۸۵

و طبع در مطبعه کتب مطبوعه



بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 وظهر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته چنانکه کسبها بصیرا و با این همه ضعف و  
 ناتوانی و جل و نادانی بآرامت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند تحمل ساخته و گمان  
 ذلالت علی الله بپیدا و هر یک را بخود را بنمونی فرموده و ما نشاکر او که ما را بر این کار  
 نمست و مؤدیان امانت جنات النعیم مرتب ساخته و کذا آن آیت ثور آیت لیم و مکه کبیر  
 و برای کافران که از نعیم مقیم و رب کریم روگردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و اغلال  
 و سعیر از کمال اافت انبیا و رسل فرستاده و مبشیر و نذیر و کمیل و ین و شین و تمیم نعمت عظیم  
 فرموده و بیعت خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه و سلم و اعیان الی الله بک  
 و سیر جامعینا اللهم صل و سلم و بارک علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی التلیک  
 المؤمنین و علی الی اتباعه و اصحابه و کما الذین یؤمنون بالندی و یحافون یوما کان شره مستطیر  
 بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد شاد را اند عثمانی مجددی می نگار و که خوف و طمع از جناب الیم طالب جمع خیرات  
 و حاجات از جمیع مکاره و سیئات است و اطلاق براحوال قیامت مثمر این کات لهذا این فقره خد و ورق این  
 بزبان فارسی با انتخاب اقتباس از بد و اسافه تصنیف نام تمام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

این کتاب در کتابخانه  
 مکتب دینی مسجد جامع  
 اصفهان موجود است  
 و در صورت نیاز  
 می توانید از آن  
 استفاده کنید  
 این کتاب در  
 کتابخانه  
 مکتب دینی  
 مسجد جامع  
 اصفهان  
 موجود است  
 و در صورت  
 نیاز می  
 توانید از  
 آن استفاده  
 کنید

الی بکر السیوطی رحمه الله علیه یسیدنا عامه و شریفنا من امتی شریفه و ابی عاصی بن خدیجه و منقرضه  
امداد و اعانت فرماید و الله المستعان و علیه الشکاک و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صحرایی صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جمل زیاد شود و زنا و شرب خمر بسیر باشد و زنا  
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بست زن یک و نیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است  
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخوابد شد لیکن علم با هم میرند و سرداران اهل پاید  
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه  
ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان که روز قیامت باشد آنحضرت فرمود  
من ترا و انما فی النسم غمی یعنی بیو و و نصاری تو نیست و خلیل من خواهند و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در غلغله بسیار باشد و بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه  
و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردی  
از کثرت بلا آرزوی موت کند و ترندی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتی که  
مال غنیمت را سرداران و دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت بینند و زکوة را تاوان دانند و علم را  
برای دنیا آموزند و مرد و فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد  
آواز بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می  
کرده شود و مطر و معاوضه علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر است ابدی است را که بکشند پس  
منتظر باشند در الوقت با و تند را که سرخ رنگ باشد و زراعت خست و مسخ و قیاف و دیگر علامات قیامت  
بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانند که در آن منتظم باشند فرمودند و ترندی از  
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که کم از این و دوران پوشیدن حریر هم گفته

در حدیث صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جمل زیاد شود و زنا و شرب خمر بسیر باشد و زنا بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بست زن یک و نیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخوابد شد لیکن علم با هم میرند و سرداران اهل پاید بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان که روز قیامت باشد آنحضرت فرمود من ترا و انما فی النسم غمی یعنی بیو و و نصاری تو نیست و خلیل من خواهند و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در غلغله بسیار باشد و بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردی از کثرت بلا آرزوی موت کند و ترندی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتی که مال غنیمت را سرداران و دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت بینند و زکوة را تاوان دانند و علم را برای دنیا آموزند و مرد و فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد آواز بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می کرده شود و مطر و معاوضه علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر است ابدی است را که بکشند پس منتظر باشند در الوقت با و تند را که سرخ رنگ باشد و زراعت خست و مسخ و قیاف و دیگر علامات قیامت بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانند که در آن منتظم باشند فرمودند و ترندی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که کم از این و دوران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداود و از ابن مسعود و از آنحضرت صلی الله علیه و آله  
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد  
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل برگزینی از جوهر پر شده بود و ابوداود از علی رضی الله عنه  
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سیدست چنانچه رسول فرمود  
صلی الله علیه و آله از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق  
نه در خلق ابوداود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله آورده و در صفت مهدی کشته  
بلند و باریک بینی و ابوداود و از اسم سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که با دشمنی  
آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برارند و کاره باشد  
و در میان رکنی مقام باو می سعیت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر  
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصاب از عراق آمده باو می سعیت کنند  
پس مردی از قریش براید که احوال او از نبی مکه باشند مهدی می و می لشکر فرستد و بر وی غالب شوند  
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و هفت سال باو شاهی  
گنبد استر میرود و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده  
زمین را از عدل برگزینی و اهل آسمان زمین از و راضی باشند آسمان مبارک دیدن و زمین بر و رانیان  
کمی کنند مردم آرزو کنند و گویند در یوقت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش که دندنی حد  
در صحیحین است که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بشمار قسمت کند هر دو و مسلم از بی برتری است که از آنحضرت  
صلی الله علیه و آله قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود و حدیکه مرد زکوة برارد و نیاید کسی که قبول زکوة کند  
نوع دوم در علامات کبری است مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله اول ایا  
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم  
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالى وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً  
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم را  
 مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات مایقین میشدند و در قرآنی غیر متواتر تکلم  
 بفتح تا و سکون کان و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین بخشند  
 ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث  
 اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحمه و سائر بدن  
 مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در مکه از کوه صفا براید ابن عباس در ج بر  
 کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این گرفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد  
 عبدالله بن عمر گفته که سر او بابرسد و پای او هنوز در زمین باشد و بقوی از ابی شریح انصاری از  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول همین ذکر او در صحرا باشد  
 و در مکه ذکر او در مسجد باز در صحرا قریب مکه براید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه براید سر خود را از خاک افشان  
 و بر مردم گذرد و برستی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان بایا مومن و کافر را گوید یا کافر و در وقت  
 آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن  
 نوشته شود و تمام روی او روشن شود و کلب و خشان و کافرا نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی  
 کند کافرا نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دوم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن بخت  
 میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض حضور عیسی باشد عیسی مسلمانان و بطواف باشند  
 که زمین ببرد و صفا شکافته شود و او براید لیکن صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب  
 و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی ماند  
 و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیاورد و نزدی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم  
 فرموده قسم بکسی که جان من دوست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دوست  
 تا زیانه و شرک نعل کلام کند و در آن خبر و چیز دیگری که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حدیف بن  
 اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که دو چیز پیش از آن

بطور آئیند و خان و جبال و دایه الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا جرج و یا جرج  
 و خست یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیره عرب و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر  
 یعنی زمین شام و در روایتی و هم بادی تند و زده که مردم را در و یا افکند و مسلم از ابی ذر از آن حضرت صلی الله  
 علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و جبال و دایه الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن همان کافر  
 و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حدیث روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علاما  
 قیامت اول و خان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر  
 خدیفه گفت یا رسول الله و خان چیست آنحضرت این آیه خواند **فَإِذَا تَقَبَّيْتُمُ الْيَوْمَ تَرَاءَى السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ** که مود و خان از مشرق  
 تا مغرب درگیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت سستی  
 روی دهد از بینی و گوش و در و خان برآید و این مسعود ازین معنی انکار کرده در صحیح بخاری است که این  
 گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحطی بحدی شد که مردم آتخوان نچرخیدند  
 و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان خان نظرمی آمد لیکن این حدیث و غیره معلوم میشود که  
 و خان هم از علامات قیامت باشد و بیه قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری  
 فصل قصه و جبال از رسول صلی الله علیه و سلم و در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در  
 بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان آنجا  
 باشد یا نباشد جوان باشد و زواید موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود  
 اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز  
 برابر هفته دیگر ایام مانند سایر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را آنگاه  
 کفایت کند فرمود نه اندازده کرده سیخو انده باشد و مثل باد تند و زمین سیه کند و جماعتی آید که من  
 پروردگار شما ام با من ای جان آری آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران جاری و زمین را بگوید  
 زراعت پیدا شود و مویشی آنجا فروید و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

له پس نظر  
 باش روی پاک  
 بار و آسمان  
 دردی ظاهر که  
 زوگر در دمان  
 راین عذاب  
 در دهنده است  
 و همین قائل  
 است عبدالله  
 ابن عباس  
 عبدالله بن عمر  
 حسن بصری  
 رضی الله تعالی  
 چشم او چنان  
 که می بینی  
 چهل روز نماند

آنها سخن او را رد کنند پس با الهای شان ملاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانههای خود و بزرگ  
خزانههای زمین و آسمان را پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گویند که  
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گویند پروردگار ما پوشیده است  
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را  
نکشید پس او را حضور آورد چون مرد مومن او را به بندگی گوید این دعا هست که رسول صلی الله علیه و سلم  
از آن خبر داده بود پس دعا را گوید این را بگیرد و بر زمین او را بگیرد و بر نهد و بگوید که ایمان من آرا گویند  
که تو مسیح و جان هستی آن زمان امر کنند که او را از ستر تا قدم از آزاره و پاره کنند و خود از میان برود و  
بگذرد و پسترا را بگوید که بر خیز از زنده شود و بر خیز پس گویند که حالا ایمان من می تری مومن گویند که حالا  
زیاده تر ترا دانستم که تو دعا هستی مومن گویند که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پسترا او را جا  
بگیرد و خواهد که فرج کند حق تعالی گردان او از مس که داند کار دکان کند پس دست و پایش گرفته بر تابد و  
داند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم  
فرمود که اگر کسی رگتر باشد و شهادت نرود خدا و با دعا و جال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم  
دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده  
که دعا شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زنده و قطع کند پسترا او را بخواند  
و او بر خاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود و در همان حال عیسی علیه السلام پرود دست بر  
بانقهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سرفرو کند قطره  
از سرش افتد و چون سربالا کند از آن مثل دانههای مروارید فرو ریزد و کافرا اگر بسوی او رسند میرود  
و مثل رسد جاییکه نظر او رسد پس در پی دعا جال شود و او را نزد باب که در بهشت نزدیک است افتد  
در یابد و او را بکشند پس مسلمانان که از دعا محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها  
شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی می کند که برادر  
این بندگان خود بندگان منی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

و شش و ده سال که در آن  
ستادارم بعضی  
گفته اند نام بری است  
از دولت بی بی بعضی  
و بعضی از قزوین  
و بعضی از آن  
و بعضی از آن  
و بعضی از آن



یا حج و اوج را فرستد که از هر بلندی بپستی می آیند پس مشردان آنها بر دریای طریقه بگذرند  
 تمام آب آنها بنوشند چون س آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند  
 آنها تا که رسند بمجمل خبر که کوهی است نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین کشتیم باشد که اهل آنها  
 بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و بی اندیشه  
 علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلاه و زدن آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس  
 روی آورند بجهنم و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها  
 بپزند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یکدست بپزند و بدوبوی یا حج و اوج  
 خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران بفرستد که گردنهای آنها  
 مثل شتران <sup>ع</sup> گشای باشد آنها را بر داشته چنانکه خدا خواهد بیند از دکنهای تیرهای ترکشهای شان  
 آنقدر باقیماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از  
 یا بارچه و چشم پناه از آن باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس  
 بفرماید حق تعالی زمین را که ثمر را و یاند و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی  
 بخورد و از پوست آن سایه کند و در مویشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند  
 جماعت کثیره را و گاوها و ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خرد را  
 همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر غلها بگیرد از آن باد همه مسلمانان  
 بپزند و کفار باقیانند با هم اختلاط کنند مثل خزان برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال  
 از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته تا که  
 روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که دجال  
 در یابده آیات اول سوره که بعد از شتر او این باشد و بیستی از اهل هریره روایت کرده که  
 دجال بر خراب باشد میان دگوش آن خرفتن و باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم است و ده  
 صحیح مسلم قصه رستم داری است از آن معلوم می شود که دجال موجود است محسوس است

در طریقه بگذرند  
 تمام آب آنها بنوشند  
 آنها تا که رسند  
 مجمل خبر که کوهی  
 است نزد بیت المقدس  
 پس بگویند که اهل  
 زمین کشتیم باشد  
 که اهل آنها بکشیم  
 پس تیر بسوی آسمان  
 اندازند حق سبحانه  
 تعالی تیرهای شان  
 را پر خون بازگرداند  
 و بی اندیشه علیه  
 السلام و یاران او  
 محصور باشند تا  
 آنکه کلاه و زدن  
 آنها بهتر باشد از  
 صد دینار نزد شما  
 پس روی آورند  
 بجهنم و یاران او  
 بدعا بسوی خدا  
 پس حق تعالی گرمی  
 در گردنهای آنها  
 پیدا کند پس همه  
 آنها بپزند پس  
 عیسی و یاران او  
 از طور بسوی زمین  
 فرود آیند و یکدست  
 بپزند و بدوبوی  
 یا حج و اوج خالی  
 نیابند باز عیسی  
 و یاران او بجناب  
 الهی دعا کنند حق  
 تعالی جانوران  
 بفرستد که گردنهای  
 آنها مثل شتران  
 گشای باشد آنها  
 را بر داشته چنانکه  
 خدا خواهد بیند  
 از دکنهای تیرهای  
 ترکشهای شان  
 آنقدر باقیماند  
 که تا هفت سال  
 مسلمانان مسوخته  
 باشند پس حق  
 تعالی باران  
 بفرستد که هیچ  
 خانه از یا بارچه  
 و چشم پناه از آن  
 باران نتواند کرد  
 پس تمام زمین  
 را بشوید تا که  
 صاف شود مثل  
 آینه پس بفرماید  
 حق تعالی زمین  
 را که ثمر را و  
 یاند و برکت باز  
 دهد پس در آن  
 روز یک انار  
 آنقدر باشد که  
 جماعتی بخورد  
 و از پوست آن  
 سایه کند و در  
 مویشی آنقدر  
 برکت شود که  
 یک شتر ماده  
 شیردار کفایت  
 کند جماعت  
 کثیره را و گاوها  
 و ماده شیردار  
 یک قبیله کلان  
 را و بز ماده  
 شیردار کفایت  
 کند قبیله  
 خرد را همچنین  
 باشند تا آنکه  
 حق تعالی باد  
 پاکیزه بفرستد  
 و مردم را از  
 زیر غلها بگیرد  
 از آن باد همه  
 مسلمانان  
 بپزند و کفار  
 باقیانند با هم  
 اختلاط کنند  
 مثل خزان  
 برانها قیامت  
 قائم شود و در  
 صحیحین آمده  
 که دجال از  
 مشرق بقصد  
 مدینه آید پس  
 کوه احد فرود  
 آید حق تعالی  
 او را از دخول  
 مدینه محروم  
 داشته تا که  
 روی او را  
 بسوی شام  
 گردانند و  
 آنجا هلاک  
 شود و آنحضرت  
 صلی الله علیه  
 و سلم فرمود  
 که هر که  
 دجال در  
 یابده آیات  
 اول سوره  
 که بعد از  
 شتر او این  
 باشد و بیستی  
 از اهل هریره  
 روایت کرده  
 که دجال  
 بر خراب  
 باشد میان  
 دگوش آن  
 خرفتن و باع  
 فاصله باشد  
 باع مقدار  
 قد آدم است  
 و ده صحیح  
 مسلم قصه  
 رستم داری  
 است از آن  
 معلوم می  
 شود که  
 دجال  
 موجود  
 است محسوس  
 است

در جزیره دریای شام یا دریای بین دو خول که و مدینه و جال را میسر نه شود  
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد  
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشند و کسان را یعنی  
 حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که  
 نصار بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مان بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و  
 یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود  
 کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود  
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را تیر الوقت بگوید که شما  
 اماست کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و این جوی از  
 عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند  
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزید و با من در قبر من دفن کرده شود و در  
 قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست  
 که بودن عیسی از زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشت سال پیش از رفتن سقا آسمان و هفت سال بعد از  
 فصل از ابی هریره در صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن  
 گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه  
 از حد کس نرود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشتهای خود را مانند ستون ها از زرد و فقره و قاتل  
 حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم  
 کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آذرا

در جزیره دریای شام یا دریای بین دو خول که و مدینه و جال را میسر نه شود  
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد  
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشند و کسان را یعنی  
 حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که  
 نصار بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مان بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و  
 یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود  
 کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود  
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را تیر الوقت بگوید که شما  
 اماست کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و این جوی از  
 عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند  
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزید و با من در قبر من دفن کرده شود و در  
 قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست  
 که بودن عیسی از زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشت سال پیش از رفتن سقا آسمان و هفت سال بعد از  
 فصل از ابی هریره در صحیحین و یست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن  
 گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه  
 از حد کس نرود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشتهای خود را مانند ستون ها از زرد و فقره و قاتل  
 حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم  
 کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آذرا

از آنکه...

فراخ...

طرف...

غالب...

عالی...

دو...

از...

دین...

نگیرد این مرد و حدیث بر از منته مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کند و آخر کار کسی  
قبول نکند و الله اعلم و سلم از عبده الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد  
مگر برترین خلق کسی در زمین الله بگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف بپزند و مردم مشرود  
و سکرانشناسند و شیطان تمثیل شود و ببت پرستی دلالت کند و لالت و غری و ذوالخاصه را بر  
آزمان نفخ صور شود و هر که شنود گنج کند گردن را پس بپزند و الله اعلم نفخه اول است که از آن بپزند و در  
حدیثی آمده که نفخه اول نفخه فرج است که از آن نفخه اهل آسمان در زمین در فرج و دشت آیند از آن نفخه کوهها  
پیزند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در انحرش آید چنانچه کشتی در دریا میل زد و مردم از لغزش زمین  
مضطرب شوند و زمین خزان مردگان را که در زمین باشند بیرون افکند و زنان باردار اسقاط حمل  
کند و بچکان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه  
رومایشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندانند که از آن زمین لشکافه و آسمان  
مانند دوشی شود و پس لشکافه و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر شرار  
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند پستتر حکم شود و اسرافیل را که باز در  
صور بدهد و ران و دم همه بپزند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بپزند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل  
و اسرافیل و عزرائیل و حکم عرش پستتر حکم شود و جبرئیل و میکائیل بپزند پستتر حاملان عرش بپزند  
و عرش را حکم شود و صور را از اسرافیل بگیرد و اسرافیل میسر و حق تعالی بفرماید  
إِنَّ الْمَلِكُ أَيْقُمْ كَسِي جَوَاب دهنده نباشد خود بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْقَهَّارُ**

**باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنّت نماید**

بعده نفخه ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرویزد و بر زمین چل  
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر ویانند چنانچه سبزه  
از زمین میرود چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بود و حق تعالی زمینی دیگر از لقره پدید کند

لله در ذی نفیسی  
در شرب درون  
فی اقطار فلکات  
در ده کارمان  
پنج آسمان دران  
روز نشور گد  
مثل در و غیوه  
بیش از این می باشد  
لله بای کسوت  
پادشاهی ارونا  
لله بای خدای  
چنانچه غالب

آسمانی دیگر از زمین پیدا کند و مردگان ازین زمین بران زمین اندازد و بر پشت زمین و در شکم زمین بر حق تعالی اول عالم ان عمرش رازنده کند پست بر حق تعالی اسرافیل رازنده کند و صور از عرش بگیرد و بر لب هند پست بر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان رازنده کند و ارواح را طلب نماید و ارواح مومنان بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد پس حکم خدا اسرافیل صور بداد و ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نخل از صور برآیند و حکم الهی بر یک روح و جسد خود داخل شود و از راه بینی و زمین شکاف و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی علیه و سلم اول کسی که از زمین برآید من ششم پست بر همه مومنان از قبور برآیند مومنان وقت بر حاشی گنبد **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنْكَ الْحُزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُوكُمْ وَكَافِرَانِ قَدْ بَرَّحْتُمْ** گویند یا و کلماتی بگفتند **مِنْ مَرَقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ** هر چقدری برآیند و با اهل عمل خود صالحان یا صالحان با فاسقان با فاسقان کافران یا کافران رسول فرمود صلی علیه و سلم بعثت کرده شوم من روز قیامت در میان ابو بکر و عمر پس برآیم بسوی بقیع پس دم بقیع با من جمع شوند پست برآیند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود و غلبی که نام برده بدین پست برآید بران مرده باشد شیبان چون بعثت شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ شل خون و بوی نهند مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویند بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده دست بر خیزد و همچنین صفا بر عمل نیک یا بد در تخمین آمده که همه کسان بر همه غیر مختون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و از تیم علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از پشت پوشانیده شود پست بر رسول کریم صلی علیه و سلم بر بهتر از آن پست بر دیگر رسل و انبیاء پست بر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مرد در میان پارچه که مدفون شدند برآیند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه پست بر مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مدفون شوند پست بر آن پارچه دور شود و پست بر گرد پست بر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی میفرماید **وَلْيَبَاسَ الْتَفَوَّى ذَٰلِكَ خَيْرٌ** پست بر رسول صلی علیه و سلم بر براق سوار شود

له ای گمشده  
عنه ای پست بر  
خدا ای که در راه  
از اندوه و آرزو  
پس و گمراه  
آرزو و غمش  
ست و افق  
له ای دایمی  
که ختم برآیند  
از خاکگاه با وفا  
باشند که در  
دار و در خدای  
درست گفتند  
پس با سبیل از حق  
له و بس که  
دری از همه پست بر





فصل در ذکر کوشی چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آنها غالب باشد و بهتر خبر را در آن روز حوضی باشد  
 هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از آن علامت است خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه  
 سلم را حوضی باشد بنام کوشی یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و  
 شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و در آن آب کوزه ها باشند مانند ستارگان  
 زمین و از آن قوت و مدد جان و زمره باشد و در آن در میز آب از بهشت افتند و علامت است  
 آنکه رسول صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب  
 رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا از آن آب و او آنکس باز تشنه نشود و بعضی حکما گویند که در روز  
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان بر وقت  
 برخاستن از قبور داد می شود و بعضی را بسبب معاصی در آن وقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دو روز  
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی بر داشتن و صوم سبب خوردن آب کوشی باشد مشرکان را  
 آب کوشی نصیب نیست حکما گفته اند که اهل بیوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانع نشان  
 نیز از آب کوشی محروم باشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دو روز آب کوشی رسد  
 فصل چون مردم بمشتر جمع شوند و در رخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار شفته  
 و قشیکه و در رخ بر صند ساله راه از خلایق باشد و جنبه و حمله کند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خوف و  
 بزرگواری افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید  
 اَقْلِيَا فِي مَنْ اَمْتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيَّكُمْ وَلَا هُمْ يَخْشَوْنَ سر و خا هم کرد چشم ترا در حق است  
 یا محمد و آفتاب نزدیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق  
 غرق شوند بقدر گناهایشان بعضی تا شش انگشت و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن حکما گفته  
 اند که این از خوارق آرزوست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه  
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا  
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا که و حسن اخلاق و صلوات رحم و مانند آن سایه عرش خدا باشد

لله و مستان  
 ن از امت تو  
 ن از کس است  
 بر ایشان و نه  
 اند و باین شوند

کسانیکه خالصا مذنبی واسطه تقرب است و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا  
 دوست سازند و در آن روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نورش اندک انبیاء و شهداء از آن غم بکشد و کسانیکه عین  
 بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زیر قبها الیسم نشانده که مرصع باشد و هر دارید حیا قوت و پوشش  
 آن قبها از سندی است برقی باشد چون در آن روز مردم در عرصات و عرق غرق و مجوس باشند و از  
 طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی بایند اگر چه بدو رخ روند آن زمان شفیع طلب کنند اول از اکرم ستر از حج  
 پستر از ابرائیم پستر از موسی پستر از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه  
 پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده هر سجده کند آنگاه  
 فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن قبول شفاعت شفاعت من  
 قبول کن و در میان خلایق قضا کن حکم شود که شفاعت او قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی  
 علیه و سلم پس همراه مردم با تم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند درین از آنها شود  
 از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزوده باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم  
 بسیار زیاده از اهل زمین اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمان افزوده  
 هر یک زیاده از سابق پستر حق تعالی نزول فرماید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** مراد از نزول و آمدن  
 نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانبوران حکم بقصاص میفرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر  
 انسانی عصفوری را بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت خورد  
 به منفعت گرفت و زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب گریه  
 در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه وا گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و  
 شتری را علف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت  
 خواهد کرد چون قصاص جانوران کام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کا فرگوید کاشکی  
 هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید  
 رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیاء



و امتان شان سوال کند کافران نکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه و سلم  
 شاید است امت محمد صلی الله علیه و سلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند  
 که شما از چه اعتقاد گویند که پیغمبر کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست  
 گفتید و پیغمبر صلی الله علیه و سلم گواهی دهد بصدق امت خود و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که تشریف  
 شود در قیامت اول آنکه کفار جدا کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا  
 علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر دشمنان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش باشد حق تعالی بادی برگزید که نامه اعمال  
 هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پشت اول  
 آن باشد **أَقْرَبُكَ كَأَنَّكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا** یعنی بخوان نامه اعمال خود  
 کفایت میکند نفس تو بر حساب کتبه و در حد آمده که خوشی است کسی که در نامه او استغفار باشد  
 و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند از زمان  
 آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دو نخل جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از نخل کس کی  
 بهشت و نه صد و نود و نه بدو نخل و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن بنهند  
 میزان انسان باشد آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد تقسیم کند که اگر آسمانها زمینها در آن سنجیده  
 گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران و میزان مطلقا وزن نباشد  
**يَحِيطُ أَعْمَالُهُمْ** در حق شان است در صحیحین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
 آنکه آورده شود مروی فربه و تازه و او را بقدر پریشه وزن نباشد و این بیت خواند **كُلَّا نَقِيمُ لَهُمْ**  
**يَوْمَ الْقِيَامَةِ** وزن فک و حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت  
 او را هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله ترازو نهاده شود و سیات در پله دوم  
 اگر سیات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیات  
 یکی حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برتر و بهشتی از این

ملک و جبرئیل  
 میآید و حق تعالی  
 به یک پله  
 برای ایشان  
 از قیامت  
 وزن دارد

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون این آدم سجده شود اگر میزان او ثقیل شود  
 فرشته ندا کند همه خلق شنوند این شخص نیک بخت شد بد بخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او  
 سبک شود بگوید که این کس بد بخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده **سُبْحَانَ اللَّهِ**  
**نُصْرَتِ الْمِيزَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ** پری میزان است و لا اله الا الله **اللَّهُ** راجع ترست از جمیع خدائیک  
**وَاللَّهُ أَكْبَرُ** همچنین در وصاح کسینی میرود و صبر کند و در و بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حجت  
 موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سید  
 علما با خون شهیدان در قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای خون شهیدان افضل باشد و احقر  
 و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را در قیامت در میزان سنات کم دیده شود ناگاه مثل ابراهیم در میزان  
 آید گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری نمانده  
 و از ابی الدرداء مرویست که بر کرامت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون دم  
 بخشمر جمع شوند و کفار از زمینین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ بر آید  
 خزنه دوزخ او را بکشند و بگوید قسم بغیرت پروردگار من بگزارد مرا با ازواج من گویند ازواج کیستند  
 گوید هر تنگبار زانرا پس بر چند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیدند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و گوید  
 بگزارد مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج او گوید **كُلُّ خَنَاءٍ كَفُورٍ** یعنی عهد شکن ناسپاس  
 آنها را چیدند و در شکم گرد و باز مرتبه سوّم همچنین کند و گوید بگزارد مرا با ازواج من گویند آنها کیستند  
 گوید **كُلُّ خَنَاءٍ فَخْشٍ** یعنی محب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش بر آید که  
 آزاد چشم باشد و زبانی فصیح و بگوید که من بکرده شده ام برای کسی که با الله عبود و دیگر گرد  
 و بر جبار عدا و کینه و ناحق و کسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر حد پیش از  
 و گیر آدمیان پیا نصدا ل و این هر جان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان  
 بد دوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند و قسم را گردنی از دوزخ بر آید و چیدند چنانچه کبر و زور  
 می چیدند اول آنسان باشند که کافر باشند بخدا از راه کبر و انکار و دم تقسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جمل و غفلت پست گفته شود که هر کس که با خدا بگیرد پستش که دست با معبود خود شود آفتاب نشانی  
 پیروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان  
 خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هُوَ اللَّهُ لَمْ يَأْتِ بِدِينٍ لَّهِ وَ هَكَذَا يَعْنِي إِنْ هِيَ إِلَّا مَعْجُونَةٌ مِّنْ دُونِ  
 دَاخِل دُوزَخِ نَشْدُوا بَجَائِدِمْ أَمْ أَمْ أَنْ بَاشْدُوهُمْ أَنْ يَدْخُلُوا فِي الْفِتْنَةِ يَخْلُفُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ  
 در صفات الهی بر اه جمل نیستند خیا نچه کفار یونان استر قسم خامس و سادسین بود و نصاری با  
 در محشر نشسته باشند گفته شود چه حال دارند گویند تشنه لبیم ما را آب دهید گفته شود بروید  
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید در آن استند و بر دایمی آید  
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک شته بصورت عیسی برای نصاری و یک شته بصورت  
 مسیح برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از یهود و  
 نصاری کسیکه پرستش عیسی غیر کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی غیر را  
 رسول دانستند و پرستش آنها کردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها  
 در فرقه خامس و سادس داخل دوزخ شوند چون باقی نماند مگر مومنان در میان شان منافقان با  
 حق تعالی ظهور کنند و بفرمایند مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند  
 و الله که ما سوائے خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی گوید که من پروردگار شما ام گویند  
 که منتظریم مگر حق تعالی را بعلما که می شناسیم بنیم از زمان حق تعالی تجلی کند نهجی که از ان تعبیر فرمود  
 بِقَوْلِهِمْ يَكْتُمُونَ عَنْ سَائِقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى الشُّجُوهِ وَ حُكْمُ كَرِهَ شَوْشُجُوهِ مُمَانِ مَخْلُصٌ سَجْدَ وَرُو  
 و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ  
 انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده  
 اول سوال کرده شود از خونریز یا مقتول گوید یا رب این پرس که مرا چرگشته حق تعالی سپرد  
 حال آنکه او داناتر است غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرمود  
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و درشتگان مشایعیت او کنند و بهشت را

از ساق و دهانه  
 از ساق و دهانه  
 از ساق و دهانه  
 از ساق و دهانه

دیگر قاتل گویشتم اورا تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید ملاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پست در  
دیگر نظام حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر از  
آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید سوال کرده شوند  
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم علم را پیشیده ندارید خیانت در علم سخت ترست  
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال  
کرده خواهد شد و از اندام و از اموال و همایک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد  
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان نباید بود فرائض را بنوافل چه نقصان  
کرده خواهد شد پست در زکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول  
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا برسد و بداند که اوصاف است اگر بخون آلود  
اورا ثواب باشد مثل ثواب بیعت یمن هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد  
از باره که بدان ستود عورت کند و از باره چنان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گریه سگری باشد  
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی  
خواهد فرمود هر که با دشمنان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من رسد از آسمان  
و قاضیان و حاکمان هر دو از ان سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت از زنان که اول  
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی  
فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را  
فراموش سازد و اگر مستکمل را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر  
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جبر گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال  
اگر از حقوق الله چیزی برده او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشند و سیرت  
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت  
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسن آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲  
ما یک جمع  
مکمل غلام

قبول کردم و بسجده رو و چون بر خواندن گناه رسد عکس شود و بر سر حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم  
 باز بسجده رو و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود با هم مردم گویند چه خوش است این مرد هیچ گناه  
 نکرده است و ننیدانند که در میان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب میر گویند که اگر از  
 عائشه روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت **اللَّهُمَّ احْسِبْ لِي حَسَابًا كَثِيرًا** چون از نماز فارغ  
 گفت یا رسول الله حساب بسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامه اعمال به میند و او را به  
**مَنْ تَوَقَّعَ فِي الْحِسَابِ يَأْخُذُ بِهِ هَلَاكٌ** و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه نواب کی و در حق  
 سینه فرماید **اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ** و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله  
 که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بر او عرض کرده شود و او بدان اقرار کند و بترسد  
 و از کبر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آن مرد بطبع ثواب گوید که  
 دیگر گناهان هم هستند که شمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه و آله و سلم ازین سخن خندید که دندان مبارک  
 ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامه اعمال  
 او داده شود و او بالای صحیفه سیات خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالا  
 صحیفه نظر کند بجای سیات حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم  
 روز قیامت دوست دارند که سیات بسیار بگیریم و آنها آن کسان اند که **اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ**  
**حَسَنَاتٍ** در شان آنهاست و در بنیقام و توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص مجبور و مستحب  
 آنقدرند است میکشند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح یا حمت  
 مینماید دوم آنکه کسانی که غرق در یا عشق و محبت الهی هستند در غلبه حال گاهی از آنها اعمال میآید  
 که نیزان شرع نخیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات در اینصورت  
 کلمات شطویه حق تعالی اینچنین اعمال را نظر عشق و محبت شان ثواب حسنات و بدو ملوی مردم  
 میشود هر چه کرد و عتی علت شود و کفر کرد کامل ملت شود و کار با کسان را قیاس از خود گوید  
 گرچه ماند و نوشتن شیر و شیر او بدل گشت و بدل شد کار او و لطف گشت و نور شد هر را را

این حساب است که  
 ازین حساب آسان  
 کرده اند و در حساب  
 ای عائشه بیان شده  
 بدل کند حق تعالی  
 گناهان را با نیکیها  
 بیانی سر و دوشندان  
 آمده  
 و در حق تعالی  
 از شرع با جمیع  
 حکم که حکایتی  
 علامه صادق و  
 ازین صواب و  
 در حدیث خارج  
 است

و آنچه در حدیث ائمه ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود  
 سفینش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزرگتر از پنجاه کس  
 بکفر و صدادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشش و آنچه از حقوق عباد اگر بزرگ کسی باشد هر بخشش شود  
 بلکه حسنات مدیون بدائن ظالم مظلوم دانه شده شود و اگر حسنات او تمام شود مدیون حقوق مدیون  
 بروی باقی مانند سیات دائنان مظلومان بر مدیون و ظالم نهد و او را بدو زخ فرستاده شود  
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد و آخرت درم و دنیا زبانه  
 در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیات سوی نهد داده شود و فرموده که اگر در او خدا گشته شود  
 و باز زنده شود و باز گشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال  
 گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود و دوم بابت حقوق الله حق تعالی و  
 بخشیدن حق خود باک ندارد و سوم ظلم عباد و در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس است  
 که نیاز در روز و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و  
 دیگری را خون بخیه و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات  
 هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهد و او را بدو زخ انداخته شود و لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید  
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی دهد و رسول فرمود صلی الله علیه  
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر  
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و همدان اگر دین بر او اسرار خود کرده باشد  
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جاد یا برای تعفف و زکاح یا برای تکفین  
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد نیت او ادا و حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده  
 تفصل کند مظلومان را با غامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود بهشت برند  
**فصل** بعضی مسلمانان را حق تعالی بجزای حساب بهشت داخل کند و ایشان را از  
 حساب معجز دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدمون است و با بعضی دود و با بعضی گشتی  
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر پنجین سواد کثیر دیدم گفته شد که این  
 امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله  
 علیه و سلم آنها کسانیست که افسون نکنند و داغ نکنند و تظلم نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه  
 رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود  
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره در نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث  
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار  
 از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حیثیات از  
 حیثیات پروردگار و حقی جزئی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد  
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند و روی شان مانند ماه شب چهارم باشد پس  
 زیاد و طلب کردم از خدا پس زیاد و کرد حق تعالی با هر کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیث  
 آمده کسانی که حمد خدا کنند در راحت و در غم داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و پنج نفر  
 داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیران در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابان فی  
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانیست که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان  
 بدی کند ایشان بخشایند و کسی با ایشان چل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنهاست  
 که بطاعت خدا و از محصیت صبر کنند و متحابان فی الله آنهاست که برای خدا با هم دوستی کنند  
 و بی علاقه دنیا عهد ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در پنج مصیبتها صبر کند و هر که  
 در حج و عمره می رود و اهل عرفان و احسان طالبان علم دینی که فرمان بردار زوج باشد و دلش  
 با و اله بین و کسی که از فقر جامه نکر ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و  
 دنیا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگریزد بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصحابی از  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میرانها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و نیز آنها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نماده شود نه  
 و قرا اعمال برای آنها کشاوه شود و زحمت شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت بگویند  
 آنکه بدنه های شان در دنیا بمقراضها بریده شد حق تعالی میفرماید **لَا تُؤْتِي السَّاعِدِينَ آجُورَهُمْ**  
**بِخَيْرِ حِسَابٍ** یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسند  
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال  
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی  
 باشد که نور او در زنگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان  
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** و در بعضی احادیث  
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر ملا منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که  
 نظر کنید با ما هم از نور شمار و روشنی گیریم مومنان گویند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا السَّاعِدِينَ**  
 باز گردید پس بهشت خود جای که حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه  
 دنیا را دید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری  
 مثل دیوار قلعه پیش آید و در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون  
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان  
 مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن  
 نفس خود را فرستید یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود  
 ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکس است  
 که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان  
 است و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود  
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و خوارج و معتزله و مانند شان که  
 نور ایمان آنها از دو بدعت منطفی شود قائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد



بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهن  
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بلخ باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا  
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد  
روز قیامت و فرموده ذکر کنند در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که  
سخنی از مسلمانان دور کند او را مشعل باشد از نور بر صراط که ازان مثنی پذیرد عالمی که احاطه  
نکند آنها را اگر رب العزت و فرمود که پرنیز کنید از ظلم برستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت  
**فصل** چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ بلی باشد  
که آنرا صراط گویند بار دیگر از مو تیز تر از شمشیر و بر آن پل گلوها و خارها باشد کافران و منافقان  
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل قی  
و بعضی مثل یابو تبند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد رو  
و بعضی مثل پیاده سمست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی  
گناهان خود در دوزخ افتند و حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا شاه برای حاجت برای مسلمانان  
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده  
که هر که مردم سنیست پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد یک چشم زدن بر صراط و دیگر نکتد و از و هب بن نبیه مرو  
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود که سنانیکه از حکم من باطنی باشد  
و زبان شان بزرگتر باشد و این مبارک و این ابی الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که صراط  
روز قیامت بر بعضی مردم باریک تر از مو باشد و بر بعضی مثل دایه بین تر حق تعالی میفرماید  
وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نَبِّئِ الَّذِينَ اتَّقَوْا قَدْ  
الْظَّالِمِينَ فِيهَا جَنَّتِيَاءُ يَعْنِي نَبَاتٌ أَشْكَاسِي مَكَرُوا دُشُوا دُشُوا دُشُوا دُشُوا دُشُوا دُشُوا دُشُوا  
لازم حکم کرده شده بستر نجات و همی متقیان را و بگذاریم ظالمان را و در آن برزخ افتاده مراد از دوزخ چشم  
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل هشت شوند بگویند ای پر

کتاب آرد  
آیه گران که بیان  
آین که میگوید



که از شهادت هر چند گناه آن آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود  
و این مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیات بیک حسنه بفرزاید داخل بهشت شود  
و هر که سیات او از حسنات بیک شیئه بفرزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیات او برابر باشد  
آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان و مومنان را به بهشت رساند و نور مومنان  
منطقی شود و اصحاب اعراف را نور منطقی نشود اما طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند  
غرض که اعراف را منزله بین المزیلین نباید دانست چنانچه بعضی اهل ابواء گفته اند چرا که در اعراض خلود نیست  
فصل شفاعت اگر م الرسل صلی الله علیه و سلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صالحان  
اطفالن که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن  
حق است هر که را حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود  
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه و سلم سوره ملک را گفته هی المانع هی  
الْمُنِجَةُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود  
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهایی یابند و بعضی اوز بهشت بشفاعت درجات عالی  
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من  
و برادری دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود  
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب حدیث بسیار مذکور فرمود صلی الله  
علیه و سلم که شفاعت من باشد برای کسانی که گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
خوب فرمود من برای بدان از امت خود مردم گفته چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در  
بهشت رود و نیکان با اعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده بشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای  
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم بحکم  
و جلال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که از آن  
شنیده گوید اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر او شفاعت من باشد

و فرموده هر که ثابت باشد بر سخی مدینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفیع باشم  
 و فرموده هر که در مدینه یا کعبه میرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت  
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد  
 بر من شفاعت او و فرموده بسیار در دو بفرستید بر من بروی جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را  
 شهادت باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد  
 و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که در دو بر من بسیار فرستاده باشد  
 و فرموده هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفِينَ**  
**حَبَّتَهُ وَفِي الْعَالِينَ حَرَّتَهُ وَفِي الْمَقَرِّينَ حَارَّةً** واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله  
 علیه و سلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه او دم قدر  
 مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه  
 فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه محکوم فی النار باشد و فرمود  
 که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی پادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل اهل  
 شل روانض و خواجه و مانند آنها و فرمود که جدال بگزاید جدال کننده را شفاعت من رسد یعنی آنچه  
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت  
 قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت  
 و بر وایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علما پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم  
 و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شود و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی  
 از این عمر مردیست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدد ستارگان باشند و  
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهید شفاعت کند در بهشت و کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در  
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکم و مردی برای دویست  
 نیکس روز قیامت و مردی باشد که شفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل بیه و مضر داخل بهشت

این دعا را بعد از نماز  
 سه بار در روز  
 گویند که در دست راست  
 و در دست چپ بگوید  
 و در میان خانه او را  
 سه بار بخواند  
 یعنی در حق او  
 و اظهار برائی از او

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان چه مرا می شناسی  
 گوید نه گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال  
 کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب خور داده بودم مردی دوزخی مردی ششی را  
 گوید یا داری که تو مرا برای کار نمی ستادی من ترا تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود  
 صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله **لَقَدْ قَبِلْتُمْ أَفْوَاحًا بَیِّنَاتٍ بَمِیْنٍ** مراد از  
 یریدیم من فضله شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود  
 که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و ده کس  
 که آتش برای شان واجب باشد و فرمود و طفلان مسلمین نیز عرض شفاعت کنند و شفاعت شان  
 قبول شود و در حدیثی آمده هر که اسنه چه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته  
 که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود  
 شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شستن  
 باز داشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از خضت باز داشته بودم و حج را  
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
 لعنت گویندگان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول  
 صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت  
 دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت  
 یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده و در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید  
 مروی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مومنان از آتش برآی یابند و از صراط بگذرند و جناب  
 برای برادران خود که در دوزخ باشند از شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز  
 روزه و حج بیکردند حکم شود که برآید هر که را بشناسید حق تعالی آتش بر صورت های مسلمانان حرام کند  
 صورت های شان بحال باشد پس برآید خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی حکم

اینجا تمام حدیث است  
 در بیان دوزخیان  
 و بیان شان از فضل خود



لحمه سبائین  
خدای را که مردان  
انده را پیش  
بود و کار با برکت  
شده و قدرش است

سابقان داخل شست شوی بغیر حساب و میانه روان حساب بسیر شود و ظالمان و بطول عمر مجربوش باشد بستر حجت  
آنها را تلافی کند بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي آذَهِبَ عَنَّا كُرْهَنَا** **وَعَنَّا كُرْهَنَا** **وَعَنَّا كُرْهَنَا** **وَعَنَّا كُرْهَنَا**  
و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه را ده مغفرت میشدتم برایشی بر چه چیز شما آید و با  
فانده بهترین مسلمانان و خدا سته فریق اند شمس که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل  
و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است  
که نیت خالص باشد و اگر نه اول بد و نرغ روند مسلم از ارباب بریده روایت کرد که رسول فرمود صلی الله  
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو  
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جبری و شجاع گویند  
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و نرغ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها با و داده پس بد که چه  
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ  
گفتی بلکه تعلیم و تعلیم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و نرغ انداخته شود سوم  
مردی که او را حق تعالی مال داده او هر نصف مال مردم بخشیده چون نعمتها با و داده از او پرسید  
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر نصف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم  
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بد و نرغ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصه است  
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیست مگر به نیت  
**فصل الإيمان بين الحق والرجاء** ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود  
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا ایگو که بر عمل خود تکیه کنند اگر  
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگویند که اگر  
که از رحمت خدا ناامید نشوند که من گناهمان کبیره را نمی بخشم و باک ندارم و بطرانی باز و الله بن اسحق روایت کرد  
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه خواهد  
اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید آئی تو دانا تری من گناهی نکرده ام نگاهم

ع ایمان و رجاء  
چرا حساب است

که نعمتی را از نعمتهای سن مقابل عمل او کنید و انی نعمت از نعمتهای خدا بجهت اعمال او را فرماید و انگاه آن بنده گوید  
 الکی بفضل و رحمت خود را بخش و هزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود  
 و فائز سه اندکی و فقر حسنت دوم و فقر سیات سوم و فقر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند انی نعمت بنده را  
 دگر و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای را بخش و حسنت را مضاعف کند

## باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو و باطل منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمد متغیر الله  
 آنحضرت پرسید که چه حال است گفتم نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بجلید باطنی من یعنی جهنم  
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفتم حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا  
 سفید شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس  
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده  
 بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بنمیرند از گرمی آن اگر فرشتگان عذاب در جهنم  
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین را و اینند بنمیرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه  
 از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نماده شود بر کوهها دنیا بر آینه فرو رود تا زمین سفلی برگاه حق  
 و دوزخ را پسند کرده دلهای ملائکه از دشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و لهای آن  
 قرار گرفت و در تحقیق است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هرگز منتهی  
 گوید تا که رب العزت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی پیچد و گوید پس دوزخ در  
 سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از و هب بن منبه مرویست که چون قیامت  
 قائم شود خلق که پوشش سقرست از سقر دور شود و از ان آتشی براید و دریا که جسم مطبق است  
 و حاجز است میان جهنم و هفت طبق زمین و چشم زدن افروخته کنند همانست محسوس  
 فصل جهنم را هفت در که است و هفت در است یکی بالای دیگری و بر آهر و جماعتی است که

ع  
 تا به جهنم  
 نمانده است



اول شان چشم است و آن عذاب کبر است بر آنگه گاران این است پست تر از آن نظمی از آن پست سحر  
از آن پست حکم زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر و بیستافان سر که اسفل باشد از دوزخ مسلمانان  
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرید است که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند  
و دوزخ با هم هیچ گفته شود که چه حال است دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه بجست حکم شود که این را  
بگذارند سستی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی گفت تا که تبارک و تحسین سجده  
نمی خواند و فرمود که حشر هفت اند و درای جحیم هم هفت اند حشر سجده از آن روز قیامت  
بر روی از درای جحیم بایستد و بگوید که آتشی داخل نشود ازین در که یکم یا من ایمان شست و مرا می خواند  
فصل موکلان جحیم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جحیم مخلوق شدند  
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آنگه هست که در میان دو شانه و صد ساله را است  
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک را انگشتانست بعد و همه دوزخیان  
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قوی گفته نوزده مرد دارند و موکلان  
جحیم ششمارند و ویل و اوست و جحیم عمیق که کافر روی تا چهل سال فرو میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در او  
که در روی دم دوزخیان جاریست و صعود و کوبست در جحیم در میفتاد سان جحیمی با آنها آن رسد و باز از آنجا  
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود و کوبست که اگر روی است رسد گدازشود و چون دست برد  
باز دست درست بشود و همچنان فرو رود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده ورم از لب جحیم انداخته شود  
تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن غنی است و اتمام آن هر دو نمراند از ریم دوزخیان و موتی  
و او می عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت  
کرده بتسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم  
دمی بسردی که از سوزی او در دنیا سر می شود و می گبری که اگر می او در دنیا گر ماسه شود  
فصل کافران را بار چنان آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة و سبب بن پنهان  
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

بایع مقدار کشتگی  
از دست او

انجیات و برآسی در دوزخیان نمیشد باشد و لحافها از آتش دوزخیان نیز بخیر باشند که هفتاد و گز طول آن بخیر باشد  
برگز از این هفتاد و پنج بر بایع مقدار بایع که و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بیک حلقه از بخیر دوزخیان شد  
آن بخیر را از دوزخیان داخل کرده و از دهن برآورده بر کوه پیچیده شود و جسم بالای سر کافر ریخته شود پس بر شکم  
و فروریزد و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچکان درست شود و باز جیمیم <sup>آیه کرم</sup> است شود و طعام دوزخیان قوم  
باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند ز قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی  
از وی بزدان گیرد آن درخت از آدمی بجان قدر گیرنده گیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی  
علیه و سلم ضریع چیست در دوزخ مشبه خار تلخ تر از صبر و بدتر از حیفه و گرم تر از آتش و قستیکه بخورد  
صاحب او نه در شکم فرود دوزخ از دهن برآید و گویا باشد نه فریاد کند و نه گر سنگی و در سازد و نیز طعام دوزخی  
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان جیمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و خساق یعنی آب سرد  
موقوفی و غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو خساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب کعب  
مروست که خساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهر مای تمام جانوران زهر وار باشد ایشان را  
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آفرایشل پارچه بکشد و ترمی  
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گر سنگی بر کافر غالب کرده شود و محدی که  
برای همه غذاها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس با و کنند که دنیا  
از آب طعام را از گلو فرو می بردند و زیاد کنند آب خواهند پس جیمیم بگو بای آهنی زرد و مای شان کرده شود  
از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از احساس قطع کند آنگاه خازنان  
دوزخ را گویند و عاکنید از پروردگار که کی و از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند  
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی ناقبول است مالک  
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را ببرد مالک بعد از اسالی جواب داد که شما همیشه در عذاب باشید  
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی مانا طلب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر  
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب داد ای شما که میگویید که ما را از دوزخ دور شوید در دوزخ و سخن گویند آنگاه

کتاب آیتانی که به هر  
کس که بخواند

در زیر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را  
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار و زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم گنایان  
 خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از انست که چون مرد  
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میکردید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا  
 کنند آنگاه ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بد دنیا بفرست تا عمل کنیم بیکو جواب یا بنده بپشید این عذاب را  
 شما فراموش کرده بودید این روز را شما را فراموش کردیم بپشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز  
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زنا قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیری کنیم رسولان را  
 جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخورید که شمار زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز  
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شمار در دنیا تقدیر کردیم دیگران در آن عمرند  
 پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینچنین بپشید عذاب لمان را کسی مددگار نیست  
 باز گویند ای پروردگار ما را بد بختی غالم شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را بر ابرار پس اگر باز کفر کنیم غلام  
 باشیم آنگاه جواب او شوند یا خستنی و کافران باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
 که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژ و مهاباشد خرد ترشان مثل خیمه هرگاه میش  
 رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کژ و مهاباشد درخت طویل از خرابا باشد مسلم از ابی  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر از تقدیر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد  
 و پیری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از مکة تا مدینه و در حدیثی آمده که تان  
 نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خور و تا که رسد بر دل او باز بندش  
 و دست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود  
 و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بر روایتی در ساعت  
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز  
 هفتاد هزار بار و جمیع روایات بتحد و اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

غنی باشد که  
 در میان فضول و باری  
 در دعا اهل دوزخ  
 آمده است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باستقراط کسر جمع این دور وایت میشود  
 و از خدیفه مدیست که در جنم درندگان و سگان و کلبه ها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان  
 کلاسیب قطع کنند و از آن شمشیر و عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی  
 را بریند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا  
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین و هشت تا نایف رسد این عباس در تفسیر قوله تعالی **فَلْيَحْضَرُوا**  
**فَلْيَلَاؤُكُمُ الْكَلْبُ** میفرماید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر خواهی بخند چون دنیا منقطع شود  
 گریه شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود و از آن  
 خون بگریزند و در رویهای شان خند قما شوند که اگر گشتیها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که دوزخیان  
 مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی بچشم گریزند پس خان زان جنم گویند ای به بخان شما در دنیا نگرستید حال که  
 فریاد رس دارید از زمان از اقربای خود که هشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران فرزندان  
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طعل موقوف تشنه مانیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا البشما  
 داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان  
 در دوزخ زفر و شقیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر و عذاب  
 کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر میجوشد و اندک کسی از من  
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است و عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید  
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفخ کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است  
 اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود و ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد  
 با کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

## باب چهارم در عذاب گناهکاران از مستندین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی زندگی راحت و نه مرده باشند

سید باب که خند  
 منقطع شود

و بعضی کسان آتش سیدین میزدن و شل انگشت ششوند پس حکم شود و بشاعت آنها پس آنها را بر آتش  
 نه بر آتش انداخته شود و این شست را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها شل سیزه بر رویه و در حد  
 آمده که گرمی و زنج بر است من تا نگر می خام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی و زنجیان را آتش  
 تا شش انگشت باشد بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را با حلق و بعضی را تا سر فرموده زن آن را که شیار  
 اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویی و کفر انعت شوهران میکنند و نیز در حق  
 فرموده که آنها را جلاشکر میکنند و بر بلا صبر میکنند و فرمود که مردی را آورد و زنج انداخته شود پس مردی آتش را  
 پس او آتش کردش کند چنانچه نگر و آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلاحی حالت ترا تو مارا  
 امر معروف و نهی از منکر میگویی گوید که من شایا امر معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و نهی از  
 منکر میگردم و خود در ملک آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد  
 طلب علم نکرد و مرد عالم که بعلوم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانه جلدی کنند و عذاب قاریان پیش از  
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما و عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که  
 عالم مثل جاهل میباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر و نقره  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنا  
 منسوخ گفته اند تا و این میکنند بعد از آنکه کات و فرموده هر که در ظرف تریا نقره آب خورده آتش  
 و دوزخ و شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که اگر زبان جبهه بر حریر باشد او را طوق از آتش باشد  
 و همچنین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جگر ده  
 و شش کند هر که سخن کسی را گوش دهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گذاشته بخند شود  
 و در قیامت و هر که صورت تدی روح سائر و تکلیف داده شود که در آن روح داخل کنند و هر که علم را  
 پوشیده کند او را انگام از آتش داده شود و هر که دوزخیان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی وضعی دیگر گوید  
 و غایبانه وضعی دیگر او را دوزخیان باشد از آتش روز قیامت و هر که را در وضو یا شستن خشک انداخته  
 باشد او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو و انگشتان خلال کنید تا آتش

در میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلند می خورد انداخته بدو  
 همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که  
 آب بن خود را کشت همیشه آهبن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل بدین را  
 بدین خواهد در آتش گدازد چنانچه قلمی گذاشته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که خور گوشت او در جاست  
 مردکی چنانچه خور دی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار ریخ کشد در حدیثی آمده که چهار کس  
 باشند که در جحیم و جحیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایزد کرد  
 زیاده از ایندای نفس خود و او را گویند ای بعد تو ما را ایزد کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم برگرد  
 او باشد و او انشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بیچاره و بدن پشیمان  
 او احساس خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن مردم لذت گیرد از دمان او ریسم جاری باشد چهارم آنکه  
 غیبت و نیمه کند و همیشه گوشت خود بخورد و از قیصودن نازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد  
 و در خیانت سازی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجهای زانیان ایزد و میند ایزد  
 را از بد بونی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر کس که حق تعالی بر خود لازم گرفته است  
 آنکه هر که مسکین خورده او را نوشاند حق تعالی طینت خجال فرمود یعنی افشوده و در خیانت در حدیثی آمده  
 که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم نسیم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجزرگاه خوابگاه نیست  
 واجبست بر است من گرامی کردن اهل بدین را تا که پشیمانند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی  
 طینت خجال نوشاند و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن بر فحشاء  
 کند تا که بر ایزان قول و بر بخوابد از ان قول و فرموده که زنان نوحه گرداد و صفت کرده بر جانب همین دیوار  
 و در خیانت استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان فرموده که بیادگاه  
 ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که سخت تر عذاب صور  
 باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء را دشنام دهد و بدست کسی  
 که اصحاب را دشنام دهد بدست کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

لله انما تصویر  
 ذی روح کشنده

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مستوران او فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت  
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکنند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بهشت  
 حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد  
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول  
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین خجاستم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت  
 گناهان عظیم میکردید و محصور مردم برخلاف آن میکردید از مردم همبست میکردید و از من همبست نمیکردید و مردم را  
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امر و زمری چنانست که شما را  
 عذاب الیم محروم داشتیم شما را از ثواب فرموده که برای ستمکاران بامردم دری بسوزنی بهشت  
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خیر فوج از دوزخ و او باکر و محنت آید چون نزدیک در رسد در را  
 بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا ازنا امید می نیاید  
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **قُلْتُ بَلَّوْا مَقْعَدَ كَاثِرٍ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ  
 سازد و کسی که بنو عبید بن جراح علیه السلام دانسته دروغ بنده و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت  
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان بخورد و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او ستم  
 باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سوا امت محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند  
 و دمای شان سیاه شود و قیدهای آبی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران امت محمد صلی الله  
 علیه و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند و دمای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده  
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام است هستید گویند ما از امت قرآن  
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر  
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بگردانند داخل دوزخ شود چشمهای شان از ترق نشود و در دمای  
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک نجیر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و جیم نخورده  
 شوند و قطران پو شانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتها سیاهی شان آتش حرام کرده بسبب سجده

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پا باشند و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن  
بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یک ماه و بعضی یک سال  
در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از تردت مانند ن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باقی بمانند  
فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد و یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان  
باطله و مومنان را گویند که ما شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فایده کرد حق تعالی در غضب آید  
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان صراط هشت است میفکند پس آنها مانند سبزه تری  
پستر داخل هشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **هَٰذَا الَّذِي كَفَرَ بِاللَّهِ بَعْدَ مَا آتَاهُ الْهُدَىٰ** نوشته میشود  
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در دوزخ بر کسانی که باقی ماندند یعنی کفار بنده کنند و میچکان آتشی  
بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که خشش کند الله تعالی بر دوزقیان  
بر کسانی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس برادر آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل هشت کند و هر  
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و برادر از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که باد آید  
آزاد در حرکت در آید و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزیزی از بخاریت موقوف میگویی که بعد مدتهای مدتی  
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها گشت طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعی و اجماع  
و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جایی عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود  
و کسی از مومنان در آن نماند طهرانی از انس از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم  
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد پستری عار دهند آنها را کفار که  
شما را تصدیق رسول نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برانند هر که باشد مسلمان آن زمان کافران  
آزاد کنند که کاشکی مسلمان بود می آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَقْرَبُوا**  
**مَسْجِدَ اللَّهِ حَتَّى يُخْرِجَ مِنْهُ الْمُشْرِكِينَ** آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که  
**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** گوید و بر همین اعتقاد بماند و داخل هشت شود ابو ذر گفت که اگر چه زنا  
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زنا و سرقه کرده باشد باز ابو ذر همان گفته باز آنحضرت

یعنی این مردم  
دوزخی اند که از او  
کرده شده  
چنانچه از او  
صحت بیرون  
آید که از او  
روایت باشد  
این حدیث صحیح است  
علیه و سلم گفته اند  
یعنی مسلمانان  
که دوست خواهند  
داشت که قرآن  
که کاشکی مسلمان بود



در خاک آلوده شدن  
پیشانی و کلاه از قضا  
ای دلیل پنج  
این جهان را

همان فرموده و در مرتبه سوم گفته علی که خیم آفت آبی خیزد و فرموده هر که میرد در حالیکه شرک  
نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میرد و شرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب  
بسیار اند زیاده از حد توان زد و بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسانت محمد  
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و خلود در دوزخ  
بر روی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن جبران از  
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روز  
ازدیش از آن آنچه او را رسد و ترمی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم  
حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جانش از من نرسیده باشد  
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون هشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار  
در دوزخ مانند استاده شود بانگ مینهد در میان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست  
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه است همیشه باشد و هم در صحیحین از ابن عمر و ابی سعید  
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه هشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ  
مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت  
و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کند و بیند و گوید آری این موتست پس او را  
فج کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت سوت نباشد رسول فرمود صلی الله  
علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید و سنگریزه دنیا بر اینیه خوش شوند و اگر  
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید و سنگریزه دنیا بر اینیه غمگین شوند لیکن بر اینها خلوت است ادا  
از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مغلط باشد آنها را دهنده و قهای آهنی کرده و بران  
میخامی آهنی زده و آن دهنده و قمارا دهنده و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین دوزخ پس هر یک  
از آنها دانه که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را دهنده و قهای آهنی کرده  
در درک اسفل دوزخ در تنور ها تنگ ترا میخ که کوفته شود و تیره کرده شود از اجب الحزن گویند

در کتب  
پایه زین  
جواب این  
چهار





و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزد دشمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند در میان و درجه صد ساله راه باشد  
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است در درجه اول خانها  
 و تختها و درها و دیوارها و قفله از نقره است و در درجه ثانیه آن همه از زر است و در درجه سوم همه آن از یاقوت  
 و مروارید و زبرجد است و نود و هفت درجه بقسمی است که نمیدانند از اجزای حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت  
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دارانکم شمار را بر آنچه دور کند خطایا بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسبغ  
 وضو بر سکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز انتظار نماز بعد نماز  
 همین است رباط و پیوستگی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از آیتهای قرآن است  
 پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات  
 را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شش است  
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیشتر  
 اصحاب بنی و ابن جتان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان  
 و ترقی کن و تریل کن چنانچه تریل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و نور  
 از فوق درخشد که بصرا و انبیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر است فلان گوید که من  
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چراست گفته شود که او از تو در عمل افضل بود  
 حق تعالی در دل او رضایه حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند  
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه با بیداری میکردند و شما خواب  
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند  
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب به هم دور  
 در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر سه کس با هم در راه عاقل و فاجر و مجنون و عیب دار و عاقل  
 فصل حق تعالی یفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ**  
**وَمَا أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ** یعنی کسانی که ایمان آوردند و فرزندان آنها با ایمان کامل و تبعیت کردند آنها را

را با یک سر و یک پای و یک تن و یک نفس و یک سینه و یک دل و یک جان و یک متغیر و یک ثابت

اولاد آنها بایمان یعنی آنها من هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از محل شان چیزی کم نکنیم  
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای هر دوی چشم او  
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود پرسیده گفتند که گناهناچه  
 تو مرتبه اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام  
 پس ام نشود بالحق آنها و فرموده که هر که بلند می درجیات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر دین ظلم کرده  
 و بدید کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی پادشاه  
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدایات او بلند کند و فرموده که هر که کمانت کند یا فال از پرنده  
 گیرد و از سفر باز ماند بدرجیات بلند نرسد و اگر بهیم گنجی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب  
 حظ بردارد و آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده  
**الطَّاعِمُ الشَّارِكُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ** این عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام  
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این که خدا بیش تر از تو کرده و پیرانی از  
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من بنسب مقرر کرده ام  
 و شما بنسب دیگر گفتید من متقی را اگر م ساختم و شما این غنی نه پسندیدید گفتید که فلان بن فلان از فلان  
 بن فلان تهرست امروز بنسب مقرر کرده خود را بلند کنیم و بنسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی  
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه  
 غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و  
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم  
 بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چو فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است  
 و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیاده ای کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شد  
 فقیر گوید که الهی اگر ما مال میدادیم من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر ما صحیح و حر میکردیم  
 عمل میکردم حق تعالی را که راست گفته اید پس فقیر را بر غنی مریض را بر صحیح و مملوک را بر مرتبه داده شود و بد خلق را بر نیک

در حدیثی آمده که هر که در دنیا از طعام یا شراب حظ بردارد و آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده

فصل بیست و هشت در راهت دروازه باشد نمازبان را از باب الصلوة و صائم را از باب الصوم  
 و صدقه دهندگان را از باب الصدقة و عبادان را از باب العباد و طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله  
 از هر دری که طلبیده شود خوبست لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها و اطلبیده شود فرمود یا رسول الله  
 که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه دروازه ها طلبیدن بنابر اکرام است در حدیثی آمده که انسان هر  
 عمل که بشیر کند بهمان در طلبیده شود و حدیث آمده که هر که بعد وضو تشهد کند لا اله الا الله و لا شریک له  
 و لا شریک له و تشهد کند الحمد لله و لا شریک له و لا شریک له گوید بیست و هشت دروازه بیست و هشت دروازه  
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند در زکات دهد و از هر دروازه  
 پر بیرون بیست دروازه بیست برای او کشاوه شود و بیست و بیست و هشت دروازه بیست و هشت  
 دارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را  
 از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی  
 چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی او را دو دختر یار و خواهر یار و عمه باشد آنها را پرورش کند  
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بیست و هشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل  
 شک باشد و سنگریزه های آن مرور آید و یا قوت و خاک آن عفران هر که داخل بیست و هشت شود همیشه  
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نیر و بار چه او گفته نشود و جوانی را و زانی را و نرنگی را بیست و هشت  
 در غار زوند بالای زمین روند در میان دیوار و بیست و هشت چهل ساله راه باشد روزی چنان در حمام  
 شود که مردم به پلوی به پلوز و ننگ باشند و در صحیحین که داخل بیست و هشت شوند از امت مبرا باشند  
 یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشان نماند و بیست و هشت چهل ساله  
 فصل در بیست و هشت غفران باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن آن باطن آن از ظاهر آن ظاهر آن  
 این بیست و هشت اهل غفران اینند بالاسی خود چنانچه ستاره و در دافق مشرق یا مغرب دیده شود برای  
 تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل اینها را باشد دیگران تا آنجا نرسند  
 فرمود و قسم بخدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و قصد این کرده باشند و بیست و هشت

در بیست و هشت دروازه  
 بیست و هشت دروازه  
 بیست و هشت دروازه

در بیست و هشت دروازه  
 بیست و هشت دروازه  
 بیست و هشت دروازه

و در حدیثی آمده که غر فاما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شها  
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز  
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید او گویا  
 انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان  
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز  
 و شب و حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول  
 که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبیاصل آنکه  
 اگر زیاد طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غر فاما  
 بشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا  
 در حدیثی آمده که غر فاما بشت رانه علاقه باشد از فوق و دستون باشند از تحت مردم گفتند  
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غر فاما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه  
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیه فی جمات عدت  
 پرسید شد فرمود قصر باشد از هر درید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سمرخ در هر خانه هفتاد حجره  
 باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره  
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان  
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثباتی خانه  
 و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله نیک کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ااتب نماز صحی  
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه  
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن  
 بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله  
 و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر و قد نوشته شود بر او هزار در هزار حسنه

در حدیثی آمده که غر فاما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شها  
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز  
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید او گویا  
 انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان  
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز  
 و شب و حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول  
 که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبیاصل آنکه  
 اگر زیاد طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غر فاما  
 بشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا  
 در حدیثی آمده که غر فاما بشت رانه علاقه باشد از فوق و دستون باشند از تحت مردم گفتند  
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غر فاما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه  
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیه فی جمات عدت  
 پرسید شد فرمود قصر باشد از هر درید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سمرخ در هر خانه هفتاد حجره  
 باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره هفتاد حجره باشد از هر حجره  
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان  
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثباتی خانه  
 و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله نیک کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ااتب نماز صحی  
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه  
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن  
 بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله  
 و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر و قد نوشته شود بر او هزار در هزار حسنه

دو در کرده شود از آن هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه و بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سوره اعلیٰ خواند میخانه برای او بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله در نیصورت بسیار خانها و بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست طبرانی از حکیم بن محمد روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا و بهشت میشود چون شخص از ذکر بپزد میشود از بنا کردن بند میشود پس گفته شود آنرا که چرا بازماند از بنا گویند تا که باران فقه رسد و همچنین ابن علی بن ابی نعیم روایت کرده و در حدیثی آمده هر که این سوره را صد و دو مرتبه بخواند و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال قهر بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او بسو و بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محقق باشد بنا کند خدا برای او خانه و در بیان بهشت و هر که خلق حسن باشد در علی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود

**فصل** بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در حق کسی را او را بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که سر خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه تکبر از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود و دل او مقدار دانه و خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

**فصل** در صحیحین از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت آنجا باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمزی از اسباب بیت ابی بکر آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

در حدیثی آمده هر که این سوره را صد و دو مرتبه بخواند و حمد گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال قهر بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود

در حدیثی آمده هر که این سوره را صد و دو مرتبه بخواند و حمد گفت حکم شود که بنا کنند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال قهر بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود



و در آن پروانه های زرباشند و ثمر آن مثل قلعه باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی در  
صد ساله راه پاره پوشاک شش میان ازان براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی درخت شب  
مگر آنکه تنه او از زر باشد و از این عباس و نیست که نخد بهشت راتنه زمر و سبز و شاخها آن طلبا گنج  
و برگ آن پوشاک اهل بهشت طعی و بهر حلما و ثمر آن مثل قایه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم  
از زرد و نباشد و خسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد و دست گرفت و گفت اگر در بهشت  
اینقدر چوب طلب کنی نیایی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد و فرمود که هیچ و تنه آن از زمر و سبز باشد  
و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله درختی نند کور شده که  
اینرا می کنند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید فی شجرة فی الجنة  
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خارا و را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ براید که  
مشابه یکدیگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و شسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گفت  
مجا بر رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زمر و نقره و شاخها  
از زمر و زمر و ثمر با بقسمی استاده و شسته و خفته از آب گید و سسوق رضی الله عنه گفته که  
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و آبی بریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند و حواء  
میفرماید بشکاف برآینده صالح من هر چه خواهد پس بشکاف از آن آب مع زمین لگام چنانچه خواهد  
شتر بار جل و هوا بقسمی که خواهد و برآید پاره آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که بشکاف از آن  
گوید برای مادر درختی در بهشت نشانه شود رسول صلی الله علیه و سلم ابو هریره رضی الله عنه را  
درختی می نشانده فرمود که دلالت کنم من ابرو درختی بهتر از این گفت آن چیست فرمود سبحان الله  
الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر هر کلمه از این درختی برای تو نشانیده شود رسول ص  
علیه سلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت  
خاک است و شیون آب و آن بی درخت است و درختهای آن لا اله الا الله و الله اکبر و  
ولا قوة الا بالله است و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد ختم قرآن

عنه  
و قد فرغ من  
السلام و هو  
في الجنة  
ن

و قد فرغ من  
السلام و هو  
في الجنة  
ن

و قد فرغ من  
السلام و هو  
في الجنة  
ن



آن خضر همراه او شود و بجای او دخری دیگر برود و در حق نمرای بهشت حق تعالی میفرماید  
 یَحْمِلُهَا تَحْمِيلًا یعنی این بهشت هر جا که خواهند آن نمرای را آنجا ببرند با این بهشت قضیه بسیار  
 اندر از آن قضیه اشاره کنند همراه آن قضیه نمرای جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده است  
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحمت مخموم نماید  
 و حقیق مخموم عبارت از غرست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود  
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود  
 که نزیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند و آخرت از آن محروم باشد  
 اگر چه داخل بهشت شود و فرمود که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جحیم  
 خوراند و هر که خوف خدا نمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن او را در حظرة القدس خورانیده شود و در بهشت  
 وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس شستیان <sup>سنگین پاک</sup> بپایند اگر خواهند سفید و اگر خواهند سرخ و اگر خواهند  
 سبز و اگر خواهند سیاه و اگر خواهند زرد و بار دیگر و خوبتر این ابی حاتم از کعب جبار آورده که اگر یار چه بهشت را  
 در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا ببیند بهوش شود و میبرد و صاحب آنرا عکس زود کرد  
 که لباس شستی در یک ساعت بقادران تبدیل شود و در صحیحین نیست که آنحضرت فرموده هر که بر سر در دنیا پوشد  
 در آخرت نباشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زرد یا نقره خورد و در آخرت از آن نخورد  
**فصل در صحیحین است که مومن را زبور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره**  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که او را مروارید آن باین مشرق و مغرب روشن سازد  
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن نماید او را از سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که  
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشانند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که  
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد و از اطعام  
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد  
 یکی از زرد دوم از نقره سوم از مروارید از کعب جبار مرویست که حق تعالی در شش پیکارده است که از زور

قولی از ابی حاتم یعنی طبعی است که در کتب معتبره از او آمده است

پیدایش خود تا روز قیامت زبور شستیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی **لَا تَقْرَأُوا**  
**الْكِتَابَ** یعنی فرشتهها شستیان را استر از استبرق با هم دوست که گفته که نظر هر یکی از ایشان از نور باشد  
**فصل** **مُتَكَلِّمِينَ فِيهَا عَلَى الْأَعْرَافِ** یعنی تکیه زده بر اکیها بشنوند یکدیگر را و بشنود هر یک از گویند  
 که در زبان تخت یعنی چهارپایان باشد و با آن جمله باشد بجای گفته اریکها باشند از مر و اید و یا تو  
 و **تَمَارِقُ** مصروفه یعنی تکیهها با هم صفت بسته از ابن عباس و یست که خیمه از مر و اید مجوف باشد  
 فرسخ و فرسخ چهار مرتبه از زردان باشد متفایکین یعنی اهل هشت روبرو بشنوند بعضی بعضی  
 پشت ندیده و همچنین از ابی اسحق اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یکدیگر دارند مجوف باشد  
 که شصت و نه عرض آن باشد و هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر آن کس دیگر اهل خانه را میفند و آن مومن همه آنها بگذرد  
**فصل** در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس در بهشت دوز و شب با و قرنی باشد همچو آن  
 از آنحضرت روایت کرده که ترویج کرده شود مومن بهفتاد و نه گفته یا رسول الله قوت بهفتاد و نه داشته باشد  
 فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی الجمعه و احمد و ترمذی از ابی سعید  
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بهفتاد و نه دوزن باشند بهفتاد و نه خلقت بهشت و دوزن  
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد و نسا و کثرت بسیار  
 شاید آن باعتبار بعضی اشخاص باشد لیکن روایت دوزن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث  
 که آنحضرت زنان گفت **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زن گفتند  
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران بنمایید و نیز آنحضرت غایبها را  
 دیدند و از غایبها یکی بود سفید باز و با سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند  
 این غایبها از غایبها یعنی بسیار کم و از حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند  
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن  
 انجام شان بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **لَا خُلُقَ** **أَبْدَلِيلُ** **لَكَ** علت دخول شان  
 در دوزخ کفر بخدا و نفرموده بلکه اکثر اهل کفران شوهر فرموده و بحقیق که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی

فصل از تفسیر حدیث  
 یعنی تکیه زده بر اکیها  
 بشنوند یکدیگر را

حاصل نکته مذکور شده  
 ای زنان اکثر دوزخی  
 یعنی زنان اکثر دوزخ  
 از آنرو که در حدیث آمده  
 که اکثر اهل دوزخ زنانند

و وزن باشند گوازان هم سابقه باشند با طفل مرده باشد از اطفال سونین یا اطفال کفار و وقت  
 دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند  
 از همه بهتر باشند زنان هشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و دلد و منی آنحضرت  
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان هشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی  
 آفتاب را بپوشد و دامنش را از دنیا و مافیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در سبب  
 چون داخل هشت شدم در موضعی که بتیج نام دارد در آن خیمه یا قوت و مرادید و زیر جلد او آواز زنان  
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبریل اینچه آواز است گفت این مَقْصُودَاتُ فی الحیاة  
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنا نیم راضی گاهی ناخوشی  
 نکنیم همیشه باشند گان گاهی سفر نکنیم طبری از بی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 فرموده که حوران هشت از عفران مخلوق باشند و این مبارک از زید بن سلم آورده که پیدایش  
 از مشک و عفران کا فور باشد از خاک و طبرانی و بیقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود  
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران هشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب آن و روزه  
 رویه ایشان را نوز خشد و جسد ایشان اسفید و خوبی و محارشان از مرادید و شانها نشان از زربا ام  
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار در هشت که باشد فرمود که او را اختیار داده شود  
 پس اختیار کند مگر ترا و اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر  
 ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح  
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در هشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید **اَنَا اَنْشَأْنَا هُنَّ اَنْشَاءً**  
**فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا اَعْمَرًا** یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در هشت داخل خواهد  
 بکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترمیزی و بیقی از انس از آنحضرت صلی الله  
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان کو چشم و چو گین چشم راحی و جوان بکار سازد و نیز همچنین ام سلمه  
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل هشت مرد و زن همه یک عمر باشند سی و سه ساله

در این باب از  
 روایات دیگر

حق تعالی میفرماید **وَجَعَلْنَا بَيْنَ يَدَيْهِ جَهَنَّمَ** و گمان چشمت و گمان چشمت  
 یعنی مانند دروید و صدف و میفرماید **وَجَعَلْنَا بَيْنَ يَدَيْهِ جَهَنَّمَ** یعنی نیک خود خوشرو این مبارک از  
 ادعای روایت کرده نیک خواشد زبان دراز میبوده گونا باشد رشک یکدیگر نکنند ایند  
**قَالَ صِرَاطُ الظَّالِمِينَ** یعنی چشم خود بر اوج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمی بینند و فرموده  
 گوایب آنرا بایستی پستان نو خاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله  
 علیه و سلم روایت کرده که عورستی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ  
 از این عباس از آن سرور روایت کرده که این هشت راقوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه  
 با صد زن جماع کند و ظهر آن از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت مانده نشود  
 و شصت منقطع نگردد و بزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که  
 این هشت بازمان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع و حرامت توالد نباشد و اگر  
 کسی احیاناً از زوی ولد کند حمل در او نوجوان شدن مولود در یک ساعت است و بدکذا را که  
 و البیهقی و غیر جماعت صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که موی با یکی از جوین صحبت داشته باشد  
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که آن  
 ولی خدا آیامر ابابو نصیبی است چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه  
 و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را  
 بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد گیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی برای یکی از آن  
 باشد او را عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا و اکنند خیانت نکند و کسی که قاتل  
 خود را بکشد و کسی که بعد هر نماز سوره اخلاص بخواند و فرموده هر حوران قبضهای خردا و پارچها  
 نان است یعنی آنچه بدویشان بدیده فرموده جاد بکشی مساجد حوران است و فرموده که هشت  
 زمینت بگیرد از سالی تا سالی بر ماه رمضان حوران زمینت بگیرد از سالی تا سالی دیگر برای ماه  
 چون رمضان داخل شود و هشت گوید آبی بگردان و دینماه از بندگان خود ساکنان در حوران

گویند الهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سر و شود چشم ما از آنها چشم آنها از ما دور شود  
در بهشت حور باشد عینا و هفتاد هزار غلام بردست راست و چپین بردست چپ او راه رود  
و گویند که گاه باشند امر کنندگان معروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا  
زن او از حوران گوید اید آمده این که همان است نزد تو قریب که از تو جدا شود بسو آید حوران شتی را گفته شود  
که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری انگاه پردا از میان برداشته شود او را ببیند و اشتیاق ملاقات نماید

**فصل**

از ابلی هر بره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران با او از خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد  
مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و شای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن جو چنان  
اَهْدِنَا لَزَوْاجِ كِرَامٍ وَ نَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا غَمٌّ وَ نَحْنُ الرَّاٰضِيَاتُ فَلَا تَخْطِنُ  
و نَحْنُ الْوَحْدَانُ فَلَا تَخَافُ وَ نَحْنُ الْمَقِيَّاتُ فَلَا تَطْعُنُ و در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت در  
کنند با او را حکم شود که در شاخهای بنزد درختان که از مر و ایدست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها

خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بنندگان بن که خود را در دنیا از معازفت و مزامیر باز داشته بودند  
آنها را بشنوند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس آید و نیز ملائکه آوازهای خوش  
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند که خوف علیکم و لا همم و لا همز و نیز در حدیث آمده که داود  
علیه السلام را حکم شود آن حضرت با او از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از حضرت  
صلی الله علیه و سلم آورده فرموده که هر که در دنیا سر و شود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان را اهل بهشت بشنود

**فصل**

ظروف در بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِیرًا  
قَوَارِیرَ مِثْمَرٍ فَصْحَةٍ مَعْنٰی همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد  
بر کس را از اهل بهشت هفتاد و نقره پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در درگاه نباشد

**فصل**

مردم که داخل بهشت شوند عداوتهای شان که در میان باشد دور شود و با هم دوست  
و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنج هزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از  
ولدان مخلص یعنی امردان که همیشه امر و باشند در قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

و در حدیثی دیگر آمده که هر که در دنیا با کسی عداوت داشته باشد در بهشت او را از او دور شود و هر که دوست داشته باشد او را نزد او رسانند و در حدیثی دیگر آمده که در بهشت هر که با کسی عداوت داشته باشد او را از او دور شود و هر که دوست داشته باشد او را نزد او رسانند و در حدیثی دیگر آمده که در بهشت هر که با کسی عداوت داشته باشد او را از او دور شود و هر که دوست داشته باشد او را نزد او رسانند

فلا تبا... است که... با خدا و با هم...

بهشت کند لغو و بزل دشم و مانند آن نباشد هرگز پدید یار رسول الله در بهشت است باشد فرمود اگر داخل بهشت  
 هرگاه سوار می سپید خاکی کسی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پرباشند سپرد با تو و هر جا که خواهی راند و دیگر گفت  
 یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتا باشد  
**فصل** در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان و در آن باشند  
 بر صورت که کسی را خوش کند همدان صورت گردد و عطرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 روایت کرده در جنت عدن سواى انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطبه کوفی  
 بهم گفته شده باشد تغییر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی دائمی باشد سلم  
 از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد در آن تو دمی مشک باشد  
 رو جمیع مردم در آنجا روند و باو شمالی برانها دزد مشک بروی و پارچه های ثمان نقش اند حسن و جمال زیاده  
 شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند و الله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که بطور در  
 مثل شتر نخنی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از آن هر لذت خورد باز  
 آن طاهر سپرد و برود در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شتر سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه گمین  
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درختی  
 باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینبانی شان و با گمانی شان از مر و ارید  
 یا قوت باشد و آنها را پرباشد و آنها قدم نهند چنانکه بصیر رسد اولیا الله بران سوار شوند و بگذرند  
 دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورای ما را فرو نشاند و ما  
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جامه میکردند و شما می شستید بهیچ از مجاهد  
 ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی **وَإِذَا رَأَوْا آيَاتِنَا تَبَسُّوا** که تبارک و تعالی گفت که مراد از ملک  
 آنست که فرستاده رب لغت تحفه و لطفها بروی آرد و بوی رسد تا که اذن دخول طلب کند آنجا  
 و آن حاجب حاجب دیگر و همچنین پس از آن به ولی الله بدخل هرگاه آن لی خواهد لی اذن پروردگار خود شست  
 تغییر گوید این از انجاست که حق تعالی از جمل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

در اینجا  
 هرگاه نظر کنی  
 در اینجا  
 هرگاه نظر کنی  
 در اینجا  
 هرگاه نظر کنی



فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که این شش  
یکصد و بیست و شش باشند از آنجمله ششاد صفت از امت من و چهل از دیگر ائمه و یکی و این عساکر  
از جابر روایت کرده که سونمان بر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابید از آنجا  
هر چه خوابند مردم بعلماء رجوع کنند که چه چیز در خواست کنیم علماء و چه سوال آموزند پس مردم بعلماء  
در ششست هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده  
که این ششست بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشند این عساکر از  
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و ششست بر هزار ساله  
بیرسد و بوی ششست عقوبت کننده والدین با قاطع رحم را و پیرانی را و کسیکه از کبر دامن بر آید از کند رسد  
فصل این ششست در ششست بابرادران یاران دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند  
بزار و بیهقی و غیره از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون ششستیان  
داخل این ششست شوند اشتیاق برادران کنند پس تحت یکی مقابل تحت دیگری آید و با هم سخن گویند  
انچه در دنیا گذشته بود و این ششست دوزخیان را هم بینند و هرگاه ششستیان خوابند یا بیدار  
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابوالفهم و غیره از عائشه روایت کرده که مروی است  
پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست میدارد  
و چون بخانه میرود من تو بصبر نمیتوانم کرد تا که بخیمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم  
می ترسم که تو در ششست در مقام پیغمبران باشی و من اگر به ششست رسم ترا بینم آن حضرت جواب داد  
تا که جبریل نازل شد و این آیت آورد **وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ** آیه احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ  
بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در ششست شود یعنی در دنیا صغیر  
یا کبیر همه شان اجر داشته باشند یعنی بر تمام بدن شان سوی نباشند و امر داشته باشند بی ریش و بصر  
سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاد و در چشم سر کشیده و این اهل دنیا از این عساکر

این ششست  
از آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم  
روایت شده است  
که هر که در  
ششست باشد  
یعنی در دنیا  
صغیر یا کبیر  
همه شان اجر  
داشته باشند

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مرویست  
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را  
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع ریش  
 بناهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی  
 از ابن عباس آورده که زبان این بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبول این زبان  
 باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم  
 روایت کرده که دیدم اکثر این جنت فقر و اکثر این جنت غنم زنان و بزرگواران آنحضرت صلی الله علیه  
 وسلم روایت کرده که اکثر این بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت  
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از بهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت  
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای پندگاران  
 باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم روایت که حق تعالی این بهشت را گوید که شما را ضعیف گویند چرا ضعیف نشویم که ما را  
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آید آید آید ما را شما را آنچه ازین همه افضل است گویند  
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شما را ضعیف شده ام که گاهی مرا ضعیف نشوم  
**فصل** بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و افض و خارج و منزلت از انوار  
 دارند اهل سنت و جماعت بدان متدی شده اند حق تعالی میفرماید **وَجِبْرِئِيلُ يُخَاطِبُكَ**  
**وَالَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ فَرِيَادَةٌ** ما را از حسن بهشت و از  
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیه یعنی از هر چهار خلق را شنیدن و ابی بن کعب و کعب بن جحش  
 ابن مروویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس ابن مسعود و غیره مرویست در سوره  
 رم و صلی الله علیه وسلم فرمود که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید  
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد همچو بن سعید گفته که در بهشت حق تعالی

بعضی روایت کرده اند که  
 روز تبارک باشد در بهشت  
 پروردگار خود را در قیامت  
 چنانچه می بینید  
 در شب چهاردهم در حالیکه  
 هیچ حجاب در میان نباشد  
 همچو بن سعید گفته که در بهشت  
 حق تعالی

هفته حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر آن منعقد گشته انکار آن کفرست ذکر احادیث تروت  
 بسیار طول دارد و قتی که بدولت دیدار شرف شوند صبح نعمتها میشت از نظر ساقط گردد اگر احیاناً  
 مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر ایند چمنهای بهشت و خدا را به پسند یعنی در سبزه  
 یکد و بار و بعضی احادیث آمده که در نهفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد  
 و بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و بهیچ از آنش روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد  
 که هر صبح هشتاد و پنج مرتبه از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی  
 چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان بر آخروج از دوزخ فریاد  
 فائده از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی <sup>تلقه</sup> **فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ** بوجوه اتفاق  
**رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** فرمود  
 هر که خواهد خدا را بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاهان زود خبر نکنند  
 فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص بهشت است ملائکه را نخواهد شد لیکن بهیچ ملائکه  
 را هم رویت اثبات کرده از عمر و بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده خشنه صنف  
 همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند  
 به بندگی حق تعالی را بگویند **مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ** و نیز از مردی از اصحاب از حضرت  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدای لرزانند  
 نشان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم گر از آن قطره فرشته می آید که تسبیح میکنند  
 از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود بر دارند تا روز قیامت و بعضی صفت  
 استاده اند از آن حرکت نموده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را  
 گویند **سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ كَمَا يَنْبَغِي** یعنی با کیمست مرترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید  
 فصل کفار از جن افلس در دوزخ باشند با اتفاق و در مؤمنان از جن علما را اختلاف است بعضی  
 ایشان را دوزخ بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

اینکه که ایستاده  
 عبادت بر دو کار خود را  
 باید که کند کار بندگی و توبه  
 کند در عبادت خود را  
 این که ایستاده  
 عبادت بر دو کار خود را  
 باید که کند کار بندگی و توبه  
 کند در عبادت خود را

جن نه داخل هشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را قتل  
و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطاباً للثقلین **لِمَنْ خَافَ قَوْلَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ فِیْهَا لَا تَدْخُلُ**  
**بِهَا أَنْتُمْ بَارِئُونَ وَقَالَ لَمْ یَطِثْهُمْ أَنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَکَیةً عَنْ کَلَامِ**  
**الْجِنِّ وَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِکَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا**  
و بیستی از انس از انس و صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر آنها عذاب باشد  
پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و در هشت باب است محمد صلی الله علیه و سلم نباشند  
پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون هشت دران نه را جاری اند و درختها و ثمرها و آراین  
و هب مروی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید **أُولَئِکَ لَدُنْ**  
**حَقِّ عِلْمِهِمُ الْقَوْلُ فِیْ أَمْرِ قَدْ خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِهِمُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ أَنْتُمْ کَانُوا خَاسِرِینَ وَ لَکُلِّ**  
**دَجْرَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ بَیْهَتِیْ زَارِبِ عِجَاسٍ** روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام درخت باشند  
و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در هشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس  
و حمزه بن حبیب گفته جن داخل هشت شوند برای جن جنیات باشند و بر انس انسیات

أَمْرٌ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَالِقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ  
وَالصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ  
الْمُخْتَارِ قَبْلِهِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ  
عَلَى آلِهِ وَحَاجَائِهِمْ  
الْأَخْيَارِ

خطاب کرده و جنین را  
بجانب خود و در دوزخ  
و بیستی از انس از انس  
و صلی الله علیه و سلم  
روایت کرده که مومنان  
جن را ثواب باشد و بر  
آنها عذاب باشد  
پس سوال کردیم از  
ثواب آنها فرمود بر  
اعراف باشند و در هشت  
باب است محمد صلی  
الله علیه و سلم  
نباشند پرسیدیم که  
اعراف چیست فرمود  
جایست بیرون هشت  
دران نه را جاری اند  
و درختها و ثمرها و  
آراین و هب مروی  
است که رسیده شد  
که جن را ثواب باشد  
گفت آری حق تعالی  
میفرماید  
أُولَئِکَ لَدُنْ حَقِّ  
عِلْمِهِمُ الْقَوْلُ  
فِیْ أَمْرِ قَدْ  
خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِهِمُ  
الْجِنَّ وَالْإِنْسَ  
أَنْتُمْ کَانُوا  
خَاسِرِینَ وَ لَکُلِّ  
دَجْرَةٍ مِمَّا  
عَمِلُوا وَ بَیْهَتِیْ  
زَارِبِ عِجَاسٍ  
روایت کرده که  
خلق چهار قسم  
اند یک خلق  
تمام درخت  
باشند و آن  
ملائکه و یکی  
تمام در دوزخ  
و آن شیاطین  
اند و دو خلق  
بعضی در هشت  
و بعضی در  
دوزخ و آن  
جن و انس و  
حمزه بن حبیب  
گفته جن داخل  
هشت شوند برای  
جن جنیات  
باشند و بر  
انس انسیات

خاتمه الطبع پس از سپاس آفریننده سید و معاد و بهشت و درخ جزا دهنده عباد و درود سید کل شافع کل در  
 محمود و بار نفع عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران از بالای  
 بل چون برق گذران نموده می آید که چنانچه تذکره احوال موتی و میان شد اند فورا باعث اقدام بر طاعت امر از دست  
 همچنین تذکره احوال آنحضرت معاد و امید و بیم توایب عقاب یوم التنا و عدلت گزاشتن موجبات وقوع در نیران طلب  
 اسباب خول و جهان است نظر بوجه پیشین پیش ازین ساله متبرکه تذکره الموتی و القیور طبع داده جلوه فرما  
 جهان گردیده اکنون نظر بوجه پیشین بر حسب نیای و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه مطبوعه برای تحریک و تشویق  
 کتاب هدایت نصاب تذکره المعاد و از اخادات جناب علم الکلمه علامه الموری مولانا قاضی محمد شمس الدین  
 قدس سره به تصحیح تمام و تصحیح الاکلام و ترجمه عبارات عربیه ثبت حواشی ضروریه با اهتمام امیدوار افاضال نیز در این  
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان منصور در مطبع نظامی واقع کانپور بجا و آلا شریف  
 پیرایه طبع در کربشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گزینکاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر  
 چشم بصیرت برین شاهزیه بکشایند و دید دل را بیدار گشت نور و سرور و فرمایند احقر را در وقت خاص بیا و آور  
 حسن خاتمه ممنون فسر بایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب دس سره رغبتی تمام دارد و خصوصاً  
 تفسیر منظوم که بکلی نمت و بکلی خرابان طبعش می باشد فاسرایه حصول این مامل دست می دهد اگر بزرگان  
 توجه دلی را در دعا کار فرمایند ما افاضال اینودی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خنده رخسار از  
 مسطور قلمت بر منصفه کثرت بجلوه گری نشاند و دیده آرزو مندان و دیدارش را نور آگین و مسرت آگاه و از  
 آمین رب العالمین و الصلوٰۃ والسلام علی سیدنا محمد و آله و صحبه و از واجه جمعیه

و چه ختم بر خاتمه برای سندین می که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست محمد و دستخط مستم نموده شد



العبد  
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان  
 کانپور  
 ۱۳۲۸



CALL No. { ۲۹۷۲ (۵) } ACC. NO. ۱۳۲۹۹  
 AUTHOR نثار اللہ پانی پتی  
 TITLE تذکرۃ المعاد

NOT TO BE ISSUED  
 PERSIAN SECTION

شام

۱۳۲۹۹ ۲۹۷۲

تذکرۃ المعاد

THE BOOK

Date	No.	Date	No.
NOT TO BE ISSUED PERSIAN SECTION			



# MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

## RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

